

اَوَّل

بخش

تعريف حقوق

اول فصل

تعریف حقوق و رشته‌های آن

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل، از فراگیر انتظار می‌رود بتواند:

- ۱- حق و حقوق را تعریف کند.
- ۲- رشته‌های گوناگون حقوق را نام ببرد.
- ۳- حقوق عمومی را تعریف کرده و رشته‌های آن را نام ببرد.
- ۴- حقوق خصوصی را تعریف کند و رشته‌های آن را نام ببرد.
- ۵- جایگاه خانواده را در حقوق اساسی توضیح دهد.
- ۶- وضعیت خانواده را از نظر حقوق مدنی تعریف کند.

انسان، موجودی اجتماعی و ناگزیر به زندگی در اجتماع است. همچنین لازمه زندگی اجتماعی، ایجاد ارتباط با سایر مردم است. تا زمانی که روابط بین مردم تحت نظم و قاعده خاصی قرار نگرفته بود، ظلم و زور بر روابط مردم حاکم بود و مردم پیوسته میان جنگ و جدال قرار داشتند. زمانی که مردم از ظلم و ستم خسته شدند، به فکر افتادند تا برای بهبود روابط خود، قوانین و مقرراتی وضع کنند. مجموع این قوانین، «حقوق» نامیده شد. البته نباید تصور کرد که حقوق چون تکالیف و حقوق افراد را معین می‌کند، باید منازعات و دعاوی آنها را نیز از میان برداشته و در میان آنها صلح و دوستی برقرار نماید. حقوق سبب می‌شود، منازعات مردم به طریق بهتری خاتمه پیدا کند. یعنی محکمه‌ای برای دادخواهی مردم ایجاد می‌کند تا فرد ستم کشیده یا زیان دیده، به جای آن که شخصاً از خود دفع ستم و ضرر کند، به آن مراجعه کند. به این ترتیب، چون احقاق حق و دادخواهی از دست مردم به دست جامعه می‌افتد، مسالمت‌آمیز می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت حقوق، وجدان و اراده جامعه است که جای وجدان و اراده افراد را می‌گیرد.

۱-۱- تعریف حقوق

حقوق جمع «حق» است، حق کلمه‌ای عام و ضد باطل است. کامل‌ترین مصداق آن «حق تعالی» است. کلمه حقوق در معانی مختلف به کار می‌رود:

۱- حقوق مجموع قوانین و مقررات حاکم بر اعمال و روابط مردم است و در صورت لزوم، دولت افراد را به رعایت آن مجبور می‌کند. مثلاً می‌گوییم: حقوق ایران، حقوق اسلام، حقوق فرانسه. حقوق در این معنی را گاهی حقوق ذاتی تعبیر می‌کنند. زیرا در این مورد، مقصود از حقوق، حقوق بالذات و قطع نظر از افراد است. حقوق در این معنی همیشه به صورت جمع استعمال می‌شود.

۲- حقوق جمع حق است و حق، قدرت یا امتیازی است که شخص در مقابل اشخاص دیگر دارد، مانند حق آزادی، حق مالکیت، حق رأی، حق زوجیت. این قسم حقوق را، حقوق فردی نیز می‌گویند. حقوق فردی با عنوان حقوق بشر مورد حمایت قرار می‌گیرد. البته، حقوق فردی بدون کمک حقوق ذاتی نمی‌تواند وجود پیدا کند، زیرا تعریف و حدود حقوق فردی را، حقوق ذاتی تعیین می‌نماید.^۱ برای روشن شدن مطلب، دو مثال می‌زنیم:

مثال اول: برای آن که فردی بتواند از حق مالکیت استفاده کند، باید حقوق ذاتی از نظر حفظ نظم جامعه این حق را تأیید کند و آن را مورد حمایت قرار دهد، تا صاحب حق (مالکیت)، بتواند از حق خود استفاده کند.

مثال دوم: قانون مدنی مقرر داشته «در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است» طبق این ماده قانونی، حق فردی زن که مطالبه نفقه از شوهر است، مورد تأیید حقوق ذاتی قرار گرفته است. حقوق ذاتی، شامل قوانین عام و خاص است.

قوانین به معنی عام، مجموعه مقرراتی است که مقام صلاحیت‌دار تصویب کرده و شامل تصویب نامه‌ها، نظام نامه‌ها و کلیه قوانین است.

قوانین به معنی خاص، مقرراتی است که به تصویب مجلس رسیده باشد.

۳- حقوق، در معانی دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً می‌گوییم دانشکده حقوق یا کتب حقوقی.

۱-۲- حقوق ذاتی و حقوق فردی

حقوق ذاتی (فطری یا طبیعی) در مقابل حقوق موضوعه (وضع شده) قرار می‌گیرد. حقوق

۱- برای مطالعه بیشتر به کتاب حقوق مدنی ایران تألیف سید علی شایگان، چاپخانه رنگین، سال ۱۳۳۹، صفحه ۱ تا ۵ مراجعه شود.

موضوعه، توسط قوای حاکم و در محدودهٔ زمانی و مکانی خاصی وضع می‌شود. اجرای آن هم توسط همان مقام واضع (وضع‌کننده) تضمین می‌گردد. اما حقوق ذاتی، فراتر از ارادهٔ حکومت هستند؛ کسی آنها را وضع نکرده، بلکه هر انسانی بالذات دارای آنهاست، مثل حق حیات، حق حریت، حق آزادی بیان و اندیشه و ... حکومت هم باید این حقوق را دریابد و مورد احترام قرار دهد^۱.

اینکه وسیلهٔ کشف و شناسایی این حقوق، عقل، دین، تجربه یا ... است، مورد اختلاف است. اما همه متفق‌اند که حقوق مذکور قواعدی برترند که توسط قانونگذار نیز وضع نشده‌اند^۲.

حقوق فردی، در برابر حقوق جمعی یا حقوق اجتماعی قرار می‌گیرد: مکتب حقوق فردی (اصالت فرد)^۳، فرد را اصل و تأمین منافع وی را هدف می‌داند و برای «جمع» جدای از «افراد» تشکیل دهندهٔ آن، ارزشی قائل نیست. بنابراین، حقوق فردی وجود جامعه را نفی نمی‌کند، بلکه آن را در حد وسیلهٔ تأمین منافع فردی فرو می‌کاهد. به عبارتی، اولویت را منافع فردی قرار می‌دهد^۴.

در این میان، برای اینکه حقوق یک فرد با حقوق دیگری تزاخم نکند، به یک مرزبندی نیاز است. این مرز، محدود شدن آزادی هرکس به آزادی دیگران است. در واقع مفهوم «تکلیف»، ناشی از اجرای همین مرز و قاعده است؛ یعنی در مقابل حق هرکس، برای دیگران تکلیفی به رعایت حدود و خودداری از نقض آن ایجاد می‌شود و بالعکس^۵.

۳-۱- رشته‌های گوناگون حقوق

علم حقوق به رشته‌های متفاوتی تقسیم می‌گردد از جمله: حقوق خصوصی و حقوق عمومی. هرکدام از این دو رشته نیز خود به بخش‌های فرعی تقسیم می‌گردند. مثلاً حقوق خصوصی به حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق مالکیت فکری، حقوق ثبت و ...؛ و حقوق عمومی به حقوق جزا^۶، حقوق محیط زیست، حقوق کار، حقوق اساسی و ... تجزیه می‌شود.

این بخش‌ها نیز به نوبهٔ خود به شاخه‌های دیگر تقسیم می‌شوند. مثلاً حقوق مدنی، شامل شاخه‌های حقوق قراردادها، اشخاص و محجورین، مسئولیت مدنی و ... است.

۱- ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص. ۴۴، ش. ۱۳.

۲- همان منبع، ص. ۴۴ به بعد؛ و نیز ص. ۷۶ به بعد.

۳- Individualism

۴- همان منبع، ص. ۴۴۳.

۵- مراجعه کنید به همان منبع، ص. ۴۴۵.

۶- حقوق جزا، که به جرائم علیه اموال، علیه اشخاص و علیه امنیت می‌پردازد.

به منظور آشنایی با برخی از این حقوق، به طور نمونه، حقوق اساسی، حقوق جزا، حقوق مدنی و خانواده را توضیح می‌دهیم.

حقوق اساسی: حقوق اساسی، یا حقوق «مادر»، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، رشته حقوق اساسی، در برگیرنده حقوق و آزادی‌های اساسی ملت، نقش و ترکیب قوای حاکمه و شیوه و ساختار اعمال حاکمیت است. این مسائل، در قانون اساسی هر کشوری تحت فصول و عناوین جداگانه مطرح می‌گردند. از آنجا که قانون اساسی محل بیان چنین مسائلی مهم و بنیادینی است، یکی از معیارهای ترقی کشورها و شاخص آزادی و مردمی بودن حکومت‌ها است. اصول بیان شده در قانون اساسی، شامل عموم مردم می‌شود. قانون اساسی در مقدمه خود با عنوان «زن در قانون اساسی» ارزش و کرامت زن از دیدگاه اسلام را بیان کرده است. قانون اساسی^۱، خانواده را واحد «بنیادین» جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان دانسته که توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل آن، زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است. بر طبق قانون اساسی فراهم کردن امکانات تشکیل خانواده از وظایف حکومت است و زن به واسطه وظیفه خطیر و ارزشمند مادری، هم‌رمز مردان در میدان‌های فعال حیات خواهد بود. همچنین وظیفه تربیت مردان و زنان مبارز آینده نیز بر عهده زن است.

قانون اساسی^۲ در حمایت از زن می‌گوید «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند»^۳. قانون تأمین حقوق زن در زمینه‌های گوناگون از ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او تا بیمه بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست و

۱- اصل دهم قانون اساسی: «خانواده را واحد «بنیادین» جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان دانسته است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیئی بودن) و یا (بزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیشاهنگ و خود هم‌رمز مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسؤلیت خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.»

۲- قوانین از نظر قدرت اجرایی و اهمیت، در یک سطح نیستند؛ بعضی از آنها کلی‌تر و بعضی جزئی‌ترند. همچنین ضمانت اجرا (مسؤلیت ناشی از نقض آنها) با یکدیگر متفاوت است.

این تقدّم و تأخّر به لحاظ رتبه و اهمیت (سلسله مراتب) در یک تقسیم‌بندی کلی، به ترتیب به این شکل است: ۱- قانون اساسی (که قانون مادر تلقی می‌شود و با همه بررسی (رفراندوم) (Referendum) یعنی مراجعه به آراء عمومی به تصویب می‌رسد)؛ ۲- قوانین عادی (که مصوب قوه مقننه هستند)؛

۳- آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها (که توسط قوه مجریه (یعنی وزارتخانه‌ها، هیئت دولت، یا نهادهای دولتی) تصویب می‌شوند).

۳- اصل بیستم قانون اساسی

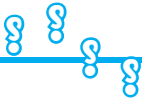
سرپرستی فرزندان را از وظایف دولت دانسته است.^۱

حقوق مدنی و خانواده : حقوق مدنی، مهمترین رشته حقوق خصوصی است و موضوع آن احوال

شخصیه و خانواده، مالکیت، ارث و ... مسائلی است که مربوط به روابط خصوصی مردم است. حقوق خانواده یکی از مهمترین بخش‌های حقوق مدنی است که جنبه حقوقی صرف ندارد و آمیخته با مسائل اجتماعی و اخلاقی و مذهبی است و بیشتر قواعد آن مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه است.

حقوق خانواده در هر دو رشته حقوق عمومی و خصوصی قابل بحث است، چرا که کلیات و اساس آن در حقوق خصوصی (بخش حقوق مدنی) مورد تبیین قرار می‌گیرد و از طرف دیگر، بعضی مسائل و ضمانات اجراهای آن (مسئولیت ناشی از نقض آن) مربوط به حقوق عمومی است. به عنوان مثال، قانون مجازات اسلامی در رابطه با ترک انفاق (ندادن نفقه) از سوی زوج (مرد) نسبت به زوجه (همسر او) یا تخلف از ثبت نکاح (عقد ازدواج)، مقررات کیفری پیش‌بینی کرده است.

۱- اصل بیست و یکم قانون اساسی



- ۱- حقوق جمع است و کاملترین مصداق آن «.....» است.
- ۲- حقوق ذاتی را تعریف کنید.
- ۳- حقوق فردی را تعریف کنید.
- ۴- حقوق فردی چگونه اعتبار پیدا می‌کند؟
- ۵- حقوق ذاتی شامل کدام قوانین است؟
- ۶- قوانین عام را کدام مرجع یا مقام تصویب می‌کند؟
- ۷- قوانین عام شامل کدام قوانین است؟
- ۸- قوانین خاص را کدام مرجع تصویب می‌کند؟
- ۹- رشته‌های حقوق را نام ببرید.
- ۱۰- حقوق عمومی را تعریف کنید.
- ۱۱- حقوق خصوصی را تعریف کنید.
- ۱۲- رشته‌های حقوق عمومی را نام ببرید.
- ۱۳- رشته‌های حقوق خصوصی را نام ببرید.
- ۱۴- آیا قوانین حقوق اساسی مربوط به گروه خاصی از اجتماع است؟
- ۱۵- بحث قانون اساسی در مورد زن چیست؟
- ۱۶- خانواده از نظر قانون اساسی چیست؟
- ۱۷- مهمترین رشته حقوق خصوصی کدام است؟
- ۱۸- موضوع حقوق مدنی چیست؟
- ۱۹- مهمترین بخش‌های حقوق مدنی کدام است؟